بسم‌الله الرحمن الرحیم

**فهرست مطالب**

[استثنائات غیبت 2](#_Toc429847720)

[مقدمه 2](#_Toc429847721)

[استثنای یازدهم: نقد حکومت 2](#_Toc429847722)

[الف) تزاحم 2](#_Toc429847723)

[ب) سیره 2](#_Toc429847724)

[جمع‌بندی 3](#_Toc429847725)

[مصداق‌های تزاحم 3](#_Toc429847726)

[عناوینی که مؤید سیره‌اند 3](#_Toc429847727)

[نکته 3](#_Toc429847728)

[جمع‌بندی 4](#_Toc429847729)

[استثنائات دیگر غیبت 4](#_Toc429847730)

[1.مدع النسب 4](#_Toc429847731)

[2.دفع شر از مغتاب 4](#_Toc429847732)

# استثنائات غیبت

## مقدمه

این مقدمه جمع‌بندی مباحث گذشته است:

 بیان عیوب، طعنه زدن، از عناوین محرمه است که شامل جلوی رو نیز می‌شود. هرکدام از حالات جلوی رو و پشت سر، که بیان عیوب یا تنقیص انجام بشود، از امور محرم است. برخی از استثنائاتی که در اینجا ذکر شد، گرچه جزء استثنائات غیبت بیان شده است، از استثنائات تنقیص و بیان عیب جلوی شخص به حساب می‌آید. مثلاً نقد علمی. با همان تقریرهایی که بیان کردیم این اوامر، از تمام استثنا شده است. البته این‌ها نباید همراه با سب و عناوین دیگر باشد.

# استثنای یازدهم: نقد حکومت

منظور از حکومت، حکومت مشروع است. اگر مشروعیت نداشته باشد، نوعی تجاهر به فسق است.

اگر نقد یک عملکرد و برنامه حکومت باشد، می‌توانیم از دو راه سابق، این امر را اثبات بکنیم. این امر امکان دارد با تنقیص یا غیبت شخص همراه باشد. برای اثبات چند راه وجود دارد:

### الف) تزاحم

فرض این است که در امور مهمه و برنامه‌ها، ترک بیان اشکالات، موجب تراکم اشکال و انباشتگی آن می‌شود و می‌دانیم که مصلحت شارع بر این نیست. اگر موارد در این درجه از اهمیت باشد و با غیبت و بیان عیب ملازمه داشته باشد، تزاحم به وجود می‌آید.

### ب) سیره

از باب همان مباحث علمی که قبلاً به آن اشاره کردیم، ممکن است در اینجا نیز به آن اشاره بشود. وقتی‌که نقد حاکم می‌کند، نقد یک برنامه می‌کند، شاید در این امر تنقیص وجود داشته باشد. اگر چیز آشکاری باشد، مانعی ندارد. اما فرض می‌گیریم که با دقت کامل، شخص توانسته است عیوب طرح را استخراج کند.

این امور مصداقی از نقد علمی است. وقتی شخص فهیمی در یک برنامه اشکالاتی را متوجه می‌شود که عموم به‌سادگی این عیوب را متوجه نمی‌شوند، در این نقد، تنقیصی نیز وجود دارد. سیره نشان می‌دهد که این امر ناظر به غیبت نیست یا اینکه از استثنائات به شمار می‌آورد.

### جمع‌بندی

چه از باب تزاحم و سیره وارد بشویم، غیبت در محدوده نقد است و بیان فنی اشکالات است که امکان دارد تنقیصی همراه آن است. بیش از این جایز نیست.

#### مصداق‌های تزاحم

اگر از باب تزاحم وارد بشویم، عناوینی با غیبت تزاحم پیدا می‌کند.

1. یکی بحث امربه‌معروف و نهی از منکر است. البته این در جایی است که حکومت منکر انجام می‌دهد. اگر این عنوان در تزاحم قرار بگیرد، تنها شامل مواردی است که کار محرمی را انجام می‌دهد.

2. عنوان بعدی، نصیحت ائمه مسلمین است. این عنوان، از عناوین مهمی است. ادله‌ای وجود دارد که نصیحت ائمه مسلمین وجوب دارد. اگر کسی این را قائل بشود، این عنوان با بحث غیبت و تنقیص تزاحم پیدا می‌کند.

این دو عنوان از مهم‌ترین عناوین هستند. ممکن است عناوین دیگری نیز وجود داشته باشد.

#### عناوینی که مؤید سیره‌اند

روایات و ادله‌ای که برای حقوق متقابل رأیت و حاکم آمده است، مؤید این مطلب هستند. مثلاً در نهج‌البلاغه، نکاتی در این مورد بیان شده است. یکی از این حقوق، تذکر دادن است.

#### نکته

گاهی عناوین ثانویه‌ای وجود دارد که باید آن‌ها را توجه داشت. مثلاً نقد در زمان جنگ خارجی یا داخلی اشتباه است.

البته باید این نقد در حدی باشد که ضرورت تزاحم را رفع کند. شاید گاهی با نوشتن نامه خصوصی این امر کفایت می‌کند. گاهی باید علنی بشود. این‌ها نکاتی هستند که باید به آن‌ها دقت شود.

### جمع‌بندی

نقد عملی یک برنامه، حاکم و مسئول با یکی از دو عنوان تزاحم و سیره، جایز است و گاهی نیز واجب است. اما این مشروط به شروطی است. یکی اینکه به‌اندازه‌ی عیوب و نقص‌ها باشد. دوم اینکه به حد ضرورت اکتفا شود و این همیشه مستلزم علنی کردن نیست.

# استثنائات دیگر غیبت

استثنائات دیگری در مورد غیبت نیز وجود دارد. در اینجا فقط بیان می‌کنیم و به شرح به آن نمی‌پردازیم

## 1. مدع النسب

کسی که ادعای نسب غلطی کند. مثلاً بگوید من از این قبیله هستم. در بعضی کلمات آمده است که غیبت در این مورد جایز است.

گاهی این ادعا، به کسی برنمی‌خورد. مثلاً شخص بگوید از فلان طایفه هستم. اینجا نیز واضح نیست که غیبت جایز باشد. اما در جایی که ادعای نسب، باعث اثراتی است، قطعاً غیبت جایز است. یا مثلاً در جایی که اثر در ازدواج و ارث و ... دارد. در اینجا سیره وجود ندارد و فقط از باب تزاحم است.

## 2. دفع شر از مغتاب

مثلاً امام (ع) پشت سر زراره عیب‌گویی می‌کند تا کسی به آن‌ها لطمه نزند. طبعاً جایی که دفع ضررهای زیادی از خود یا دیگران باشد، غیبت مجاز است.